

The Approach of the Holy Quran in Social Order to Parsons's Theory of Social Order

**Mohammad Reza Zamiri¹, Yad-o-llah Dadjoo², Hamid Fallahnejad³, Seyed Mohammad Mahdi
Qasem Tabar Ganji^{4*}**

1. Associate Professor, Department of Islamic Education, Payame Noor University, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Department of Islamic Education, Payame Noor University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Payame Noor University, Tehran, Iran
4. Ph.D. Student in Islamic Education, Payame Noor University, Tehran, Iran

(Received: July 5, 2020; Accepted: January 21, 2021)

Abstract

The purpose of this study is to investigate the Qur'an's approach to Parsons's theory of social order. The question of the research is whether the social order is maintained and maintained only by observing the holy sharia in the form of obligations and prohibitions? This research has been done by library method, review-descriptive and by using Quranic verses in various aspects of social, legal, jurisprudential, economic, political, cultural, moral, education, guardianship. The present study, with emphasis on the good life and the supernatural world, after extracting some components related to the maintenance, creation and stability of social order, explains it. The findings of this study showed that Parsons mainly emphasizes the survival of the social system and relates it to the continuation of norms and patterns of interaction, but the Qur'an also pays attention to details to guarantee the implementation of social order. With this approach, the Qur'an has a double comprehensiveness and perfection and is able to create, maintain and sustain a universal, efficient and eternal social system much more effective than the limited and general components in Parsons theory.

Keywords: Maintenance and stability, Order, Parsons, Social order.

* Corresponding Author, Email: gangine2110@yahoo.com

رویکرد قرآن کریم در نظم اجتماعی نسبت به نظریه نظم اجتماعی پارسونز

محمد رضا ضمیری^۱، یدالله دادجو^۲، حمید فلاح نژاد^۳، سید محمد مهدی قاسم تبار گنجی^{۴*}

۱. دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
 ۲. دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
 ۳. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
 ۴. دانشجوی دکتری معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
- (تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲)

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رویکرد قرآن نسبت به نظریه نظم اجتماعی پارسونز است. پرسش پژوهش این است که آیا صرفاً با رعایت شرع مقدس در قالب واجبات و محرمات، نظم اجتماعی حفظ و پایدار می‌ماند؟ این پژوهش با روش کتابخانه‌ای، مروری - توصیفی و با بهره‌گیری از آیات قرآن در جنبه‌های گوناگون اجتماعی، حقوقی، فقهی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، تعلیم و تربیت، ولایت‌پذیری انجام گرفته است. پژوهش حاضر با تأکید بر حیات طیبه و عالم ماوراءالطبیعه، پس از استخراج برخی مؤلفه‌های مربوط به ایجاد، حفظ و پایداری نظم اجتماعی به تبیین آن می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان داد پارسونز به طور عمده، بر بقای نظام اجتماعی تأکید دارد و آن را با تداوم هنجارها و الگوهای تعامل مرتبط می‌کند، اما قرآن، به جزئیات هم برای ضمانت اجرایی نظم اجتماعی توجه کرده است. با این رویکرد قرآن، از یک جامعیت و کمال مضاعف برخوردار است و قادر است در ایجاد، حفظ و پایداری یک نظام اجتماعی جهان شمول، کارآمد و جاودانه بسیار مؤثرتر از مؤلفه‌های محدود و کلی در نظریه پارسونز عمل کند.

واژگان کلیدی: پارسونز، حفظ و پایداری، نظم اجتماعی، نظم.

مقدمه

با دقت در جهان پیرامون خود، دریافت می‌شود که در این عالم هر چیزی از یک نظم و استواری خاصی برخوردار است و ذره‌ای درهم تداخل ندارند و این امر گویای این مطلب است که عالم دارای یک نظام هدفمند است و پیوند اجزای عالم نیز همگی معنادار و دقیق هستند و این پیام را می‌رساند که ایجاد، حفظ و پایداری این نظم با این وسعت خارج از توان بشر است. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر: ۴۹). ما هر چیزی را به اندازه (و روی حساب) آفریدیم. همان‌طور که خداوند نظم را در این گستره پهناور و عظیم خلقت قرار داده است، هم او، نظم را در زندگی انسان‌ها و روابط اجتماعی آنان ضروری می‌داند «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳). ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا شود یا ناسپاس. به اعتقاد روانشناسان: «احتیاج به نظم و ترتیب، جزء احتیاجات اساسی روانی محسوب می‌شود، رنگ و شکل خاصی به زندگی می‌دهد. افراد میل دارند زندگی فردی و جمعی خود را تحت نظم و قاعده مشخصی درآورند» (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹).

قرآن به عنوان آخرین و کامل‌ترین شریعت الهی به موضوع نظم اجتماعی توجه ویژه‌ای کرده است و در آن از زوایای گوناگون و در قالب مباحث الهی، توحیدی، اجتماعی، حقوقی، فقهی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، عبادی، اخلاقی، (ارزش‌ها)، تعلیم و تربیت، و... به صورت مستقیم یا غیر مستقیم توجه کرده است. با دقت نظر در آیات و مراجعه به تفاسیر و روایات مربوطه می‌توان به دست آورد که هدف غایی قرآن از رعایت نظم اجتماعی نیل به وحدت است. هدف اصلی پژوهش، بررسی رویکرد قرآن کریم نسبت به نظریه نظم اجتماعی پارسونز است. به همین منظور، پرسش‌های زیر برای تبیین رویکرد قرآن در نظم اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است:

۱. آیات ناظر بر نظم اجتماعی در قرآن کریم کدامند؟
۲. آیات سیاسی ناظر بر نظم اجتماعی در قرآن کریم کدامند؟
۳. آیات فقهی ناظر بر نظم اجتماعی در قرآن کریم کدامند؟
۴. آیات اخلاقی ضامن نظم اجتماعی در قرآن کریم کدامند؟

تالکوت پارسونز^۱، جامعه‌شناس آمریکایی، یک نظریه عمومی به نام «نظریه گُش»^۲ را برای بررسی جامعه توسعه داد که بر مبنای روش شناختی اختیارگرایی، و مبنای معرفت‌شناختی واقع‌گرایی تحلیلی استوار است. هدف کلی پارسونز تبیین مسئله نظم است تلاش پارسونز بر این بود که وحدتی در بخش‌های همگرا (یعنی بخش‌های شبیه به هم، اگر چه در شکل‌های بیانی متفاوت) به وجود آورد، تا بتواند بعد از آن، نظریه کاملتری درباره نظم اجتماعی از آن‌ها ارائه دهد. در این پژوهش بررسی می‌شود آیا در قرآن هم این انتظام‌بخشی که پارسونز به دنبال آن بود، وجود دارد و اینکه کدامیک از این دو، یک نظام اجتماعی متقن، جامع و مانایی را در نظم اجتماعی برای جوامع انسانی عرضه کرده‌اند؟

اسلام و قرآن به خاطر الهی بودن مرجع ارائه‌کننده در نظام قوی اجتماعی تنها مدعی بلامنازع در ترسیم یک نظام پایدار اجتماعی است. انجام این پژوهش به نوعی از این جهت که در بین دانشمندان اسلامی به صورت متمرکز در موضوع نظم اجتماعی پارسونز تحقیق مستقلی صورت نگرفته است، می‌تواند از نوآوری برخوردار باشد. مبنای نظم‌بخشی جامعه اسلامی، دین است، در نتیجه، باید تلاش کرد که شاخص‌های منطق نظم و انضباط اسلامی از متون دین (قرآن کریم) استخراج شود تا مشخص شود که آیا جامعه بر مبنای منطق نظم‌بخشی اسلام (قرآن) سامان یافته است یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا آنچه را که پارسونز در خصوص نظم اجتماعی بیان کرده، با آنچه که در قرآن به عنوان یک برنامه مدون و جامع که از طرف پروردگار عالم برای بشر ابلاغ شده همخوانی و سنخیتی دارد؟ رویکرد قرآن در این زمینه چیست؟

«یکی از خدمات ارزنده‌ای که دین اسلام به جهانیان عرضه داشته، ارائه راه‌کارهای نظم اجتماعی است. در میان اندیشمندان اسلامی، کسی را سراغ نداریم که بحث مستقلی درباره نظم اجتماعی داشته باشد. از لابه لای بحث‌های برخی از آنان به طور غیر مستقیم، می‌توان نظریات آنان را به دست آورد. علامه طباطبائی در المیزان، شهید مطهری در پاورقی بر اصول فلسفه و روش رئالیسم، آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن و علامه محمدتقی جعفری در ترجمه

1. Talcott Parsons
2. Theory of action

و شرح نهج البلاغه به مناسبت‌های گوناگون بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند که به نوعی، به نظم اجتماعی مربوط می‌شود. مطمئناً اسلام سخنان زیادی در خصوص «نظم اجتماعی» دارد و بر دانش پژوهان علوم اجتماعی است که با تتبع در متون اسلامی، تبیینی قابل قبول از نظم اجتماعی برای جامعه علمی ارائه دهند» (یوسف‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳)

پارسونز کار امیل دورکهایم^۱ و ویلفرد^۲ و پارتو^۳ را تجزیه و تحلیل و نوشته‌های آنان را از طریق اندام واره^۴ (پارادایم) کنش‌اختیارگرا ارزیابی کرده است. او همچنین، پیش‌تاز معرفی و تفسیر آثار ماکس وبر^۵ به مخاطبان آمریکایی بود. او اگرچه عموماً به عنوان پژوهشگری ساختار-کارکردگرا، در نظر گرفته می‌شود، در مقاله‌ای در اواخر عمر خود نوشته است، که مفاهیم کارکردگرا، یا ساختار-کارکردگرا، راه‌های نامناسبی برای معرفی ساختار نظریه او هستند. برای پارسونز، ساختار-کارکردگرایی یک مرحله در گسترش روش‌شناختی علوم اجتماعی بود، و کارکردگرایی هم یک روش جهان‌شمول، نه واژه‌ای برای نام‌گذاری یک مکتب به‌خصوص. موضوع نظم اجتماعی از منظر دانشمندان خصوصاً دانشمندان غربی مانند پارسونز و دورکهایم، ماکس وبر و دیگران مورد توجه قرار گرفته است ولی توجه و تمرکز تخصصی برای این موضوع به طور مستقل، در بین دانشمندان اسلامی نسبت به دانشمندان غربی کمتر است و بیشتر در قالب چند مقاله و پژوهش محدود انجام پذیرفته است. با توجه به قرائن موجود از میان علمای معاصر اسلامی، بزرگانی همچون علامه طباطبایی، شهید مطهری، آیت‌الله مصباح یزدی، علامه جعفری تا حدودی به این موضوع اشاره کرده‌اند.

برخی مقالات و پژوهش‌ها، با عناوین مختلف در موضوع نظم اجتماعی مطالبی ارائه کرده‌اند. به اختصار به برخی از موارد اشاره می‌گردد:

در پژوهشی، فصیحی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «نظم و انضباط اجتماعی در اسلام و

-
1. Emil Durkheim
 2. Wilfred
 3. Pareto
 4. Paradigm
 5. Max Weber
 6. Structure-functionalism

شاخص‌های آن» بیان کردند «در این تحقیق، تحلیل و تبیین نظم اجتماعی و شاخص‌های آن، در دو سطح خرد و کلان از منظر جامعه‌شناسی مطمح نظر قرار گرفته است. پرسش بنیادی که این تحقیق حول آن سامان‌یافته، عبارت است از این که جامعه منظم و با ثبات در متون دینی چگونه ترسیم گردیده و شاخص‌های آن کدامند؟ در پاسخ به پرسش بنیادی فوق مطالب این تحقیق در سه بخش اصلی و نه فصل تنظیم و ساخت یافته است. بخش نخست که دو فصل را در بر می‌گیرد، ضمن طرح کلیات و مبانی، مسائل نظم در سطح خرد یعنی نظم حاکم بر تعاملات افراد را مطالعه می‌کند. بخش دوم آنکه در شش فصل سامان یافته، متکفل بررسی شاخص‌های نظم در سطح کلان یعنی نظم حاکم بر کل ساختارهای اجتماعی است. بخش سوم در ضمن یک فصل پاسدارن نظم یا نظارت اجتماعی را مورد تأمل قرار می‌دهد (فصیحی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴۷۴).

حجازی طاقانکی (۱۳۹۶) در پژوهشی با هدف شناسایی راهکارهای ایجاد، حفظ و افزایش نظم اجتماعی براساس دیدگاه قرآن و عهدنامه مالک اشتر در نهج‌البلاغه، مطالب مرتبط با نظم اجتماعی را از عهدنامه مالک اشتر استخراج و دسته‌بندی نموده است و در نهایت، مشترکات این دو مرجع را مقایسه کرده و در قالب نتیجه‌گیری اعلام کرده است.

یوسف‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نظم اجتماعی در اسلام» آمده است: «مقوله نظم و امنیت اجتماعی از مباحثی است که در طبقه‌بندی موضوعات جامعه‌شناختی، نقطه مقابل جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی و به ویژه در تعارض با مباحث تغییرات عمیق و انقلابات اجتماعی است. نظم اجتماعی از موضوعات اساسی جامعه‌شناسی است» (یوسف‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳).

هاشمیان‌فرد و ابراهیمی (۱۳۹۳) در پژوهشی، در ابتدا به تعاریفی مفهوم‌شناسی نظم و انضباط و تفاوت‌های آن پرداخته‌اند و در ادامه، واژه فرهنگ و مدیریت فرهنگی را مورد توجه قرار داده‌اند. در نهایت، بیان کرده‌اند «بخش عظیمی از دستورها و سفارش‌های قرآن کریم برای منظم کردن افکار، گفتار و کردار، پیروان خویش است، همه آیاتی که درباره قوانین و مقررات الهی نازل شده است، نظم و برنامه را در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان برقرار می‌کند، در واقع، عمل به قوانین باعث توسعه نظم و انضباط می‌شود. از نظر اسلام نظم اجتماعی باید طوری باشد که در سایه آن به حقوق

و آزادی‌های فردی آسیبی نرسد، از سوی دیگر عدالت اجتماعی در اسلام یک اصل اساسی است، جامعه باید بستر رسیدن افراد به سعادت دنیوی و اخروی را فراهم کند، احتیاج افراد به یکدیگر باعث شکل‌گیری اجتماع و توسعه فرهنگ تعاون و کار جمعی می‌شود».

صبوریان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «قرآن و بنیان‌های تاریخی نظم اجتماعی (بحثی درباره آیه ۲۱۳ سوره مبارکه بقره)» این طور بیان کرده است: «با استناد به آیات قرآن می‌توان نشان داد که یکی از مهمترین اهداف بعثت انبیاء، وضع قوانین اجتماعی برای رفع اختلافات انسانی در امور دنیوی و دعوت آنان به سعادت و امر اخروی است. درخور توجه است که حکمایی همچون ابن سینا نیز در بحث سیاسیات خود از استدلال مشابهی برای توجیه ضرورت نبوت بهره برده‌اند و اندیشمندانی چون ابن خلدون این استدلال را رد کرده‌اند. در این مقاله با تکیه بر استدلال قرآنی و تأکید بر آیه ۲۱۳ سوره مبارکه بقره به ویژه با تفسیر علامه طباطبائی، نشان داده شده که اولاً مستقل از زمان تشکیل نخستین جوامع انسانی، قانون الهی مبنای شکل‌گیری جوامع اولیه قرار گرفت و بدون قانون الهی امکانی برای رشد تمدن‌های بشری نبود؛ ثانیاً هرگونه نظم موجود در جوامع، ریشه در قوانین الهی دارد که این نظم با بعثت انبیا و انزال کتب آسمانی ممکن شد... در این مقاله پس از بیان نظراتی از افلاطون، ارسطو و ابن سینا در بخشی دیگر بیان می‌دارد: «نباید از شباهتی که میان نظریه قراردادگرایان و نظر قرآن وجود دارد چشم‌پوشی کرد. بر پایه این آیه [۲۱۳ سوره بقره] از قرآن، ما با وضعی اولیه، همانند همان چیزی که در نظریه قرارداد اجتماعی مطرح می‌شود، روبه رو هستیم اما نتیجه قرآن کاملاً مغایر با نظریات قراردادگرایانه است. قرآن به این وسیله ضرورت نبوت را مطرح می‌کند، در حالی که قراردادگرایان، بدون اینکه متوجه باشند که اندیشه صلح و پاسداری حکومت قانون، خود ریشه در تعالیم انبیاء دارد، آن را نتیجه قراردادی اجتماعی می‌دانند» (صبوریان، ۱۳۹۳، ص ۱۸-۵).

عناصر اصلی نظریه کنش

پدیده بنیادی در نظریه کنش پارسونز همان چیزی است که او واحد کنشی خوانده است. او این پدیده را بر حسب چهار عنصر سازنده مشخص می‌کند:

۱. این واحد به وجود یک کنشگر نیاز دارد.
 ۲. واحد کنشی مستلزم هدف یا وضعیتی آتی است که کنشگر نسبت به آن جهت‌گیری می‌کند.
 ۳. این کنش در موقعیتی انجام می‌گیرد که مستلزم دو عنصر است: چیزهایی که کنشگر نمی‌تواند تحت نظارت داشته باشد و دیگر آن چیزهایی که کنشگر می‌تواند بر آن‌ها نظارت داشته باشد.
 ۴. هنجارها و ارزش‌ها در جهت تعیین‌گزینه‌ش وسایل دستیابی به هدف‌ها، نقش بازی می‌کنند (رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۳؛ ریتزر^۱، ۱۳۹۱، ص ۵۲۹).
- در نتیجه به نظر پارسونز کنش‌ها متشکل هستند از:
- ساختارها و فرایندهایی که موجودات انسانی به کمک آن‌ها نیت معنادار را شکل می‌دهند و به‌گونه‌ای موفقیت‌آمیز، آن‌ها را در وضعیت‌های واقعی، عملی می‌کنند. نظریه کنش اجتماعی شامل چهار مرحله است:
- در اولین مرحله کنش‌گران برای اقدام به کنش، به‌ویژه برای دستیابی به هدفی دلخواه برانگیخته می‌شوند.
 - در مرحله دوم کنش‌گران باید راه‌های رسیدن به هدف دلخواهشان را پیدا کنند.
 - در سومین مرحله، کنش‌گران باید از پس شرایطی که مانع از دستیابی آنان به هدف می‌شوند، برآیند.
 - در مرحله چهارم کنش‌گران باید در سیستم اجتماعی فعالیت کنند (رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۳).
- پارسونز در تحلیل نظام اجتماعی بیشتر به عناصر سازنده ساختاری آن علاقه‌مند بود. او به جز آمیزه نقش و منزلت به عناصر پهن‌دامنه نظام‌های اجتماعی مانند پدیده‌های جمعی، هنجارها و ارزش‌ها نیز علاقه داشت. وی در تحلیل نظام اجتماعی هم ساختارگرا^۲ و هم کارکردگرا بود و برخی پیش‌نیازهای کارکردی را برای نظام اجتماعی مشخص می‌کرد. پارسونز در بحث از نظام اجتماعی به رابطه کنش‌گران و ساختارهای اجتماعی نیز توجه دارد. در واقع، افراد با ملکه ذهن ساختن ارزش‌ها

1. Ritzer
2. Structuralist

و هنجارها بدین شکل که آن‌ها را جزئی از وجود و وجدان خود می‌کند، ضمن دنبال کردن منافع خود به مصالح کل نظام نیز خدمت می‌کنند (ریتزر، ۱۳۹۱، ص ۷۶؛ امین پور، ۱۳۹۳، ص ۲).

پارسونز در کتاب *ساختار کنش اجتماعی* نظریه‌ای با عنوان نظریه سیستم‌ها دارد. وی در این نظریه نظام کنش را متشکل از چهار جزء می‌داند که عبارت‌اند از نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، نظام شخصیتی و نظام زیستی. پارسونز برای این خرده‌سیستم‌ها الگویی با عنوان آجیل^۱ [تطبیق، هدف یابی، انسجام، نهفتگی] معرفی می‌کند که برای حفظ و بقای یک سیستم اجتماعی لازمند و به کارکردهای هر سیستم در جهت بقای جامعه اشاره دارند (رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۳).

نظام اجتماعی ناظر به نظم اجتماعی است و نظم اجتماعی از مفاهیم مورد بحث در نظریات کارکردی و نظریات ساختی- کارکردی است. اساسی‌ترین مفهوم در کارکردگرایی مفهوم نظام اجتماعی است. کارکردگرایان نظام اجتماعی را کلی می‌دانند که دارای یگانگی و یکپارچگی است. کل مجموعه‌ای است که همه واحدها و عناصر ساختی و بخش‌های مختلف آن با یکدیگر تناسب و سازگاری دارند (توسلی، ۱۳۸۰). فرهنگ در نظر او، ابزاری برای شکل دادن و برآوردن نیازهای اساسی بشر بوده که کارکردش بقای جامعه است (همیلتون^۲، ۱۹۹۲، ص ۳۳-۳۴).

تأثیرات فروید در چگونگی ملکه ذهن ساختن ارزش‌ها والگوهای غالب جامعه، به عنوان بعد اجتماعی شدن نظام شخصیتی و استفاده پارسونز از مفهوم درون فکنی فروید درباره درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی در «من برتر» آشکار است (اعتمادی‌فرد، ۱۳۸۹؛ ریتزر، ۲۰۰۳، ص ۲۳).

موضوع باور پرستش خدا در قرآن نه فقط در ماوراء بلکه در همه عرصه‌های وجودی انسان و جهان مادی حضور مستمر دارد «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا» (مریم: ۶۵)؛ پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است پس او را پرست و در پرستش او شکیبیا باش آیا برای او همانمی می‌شناسی. قُلْ لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (مؤمنون: ۸۴)؛ بگو اگر می‌دانید [بگویید] زمین و هر که در آن است به چه کسی تعلق دارد. سَيَقُولُونَ لِيْلَهُ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (مؤمنون: ۸۵)؛ خواهند گفت به خدا بگو آیا عبرت نمی‌گیری. قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ

1. AGIL (Adaptation Goal-attainment Integration Latency)

2. Hamilton

الْعَظِيمِ (مؤمنون: ۸۶)؛ بگو پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست. سَيُقُولُونَ لِّلَّهِ قُلٌّ أَفَلَا تَتَّقُونَ (مؤمنون: ۸۷)؛ خواهند گفت خدا بگو آیا پرهیزگاری نمی‌کنید. قرآن کریم نظم اجتماعی را نه فقط یک امری از درون نهاد انسانی و یا امری بیرونی و تحمیل شده از محیط به درون انسان و امری جبری بداند بلکه به هر دو زوایای آن توجه کامل و بسیطی نموده است و این دو در کنار هم را ضامن ایجاد، پایداری و بقای نظم اجتماعی می‌داند.

انتقادهای وارد بر نظریه کنش پارسونز

هدف بخش وسیعی از کارهای پارسونز تلفیق مفهوم کنش و ساختار بوده است. برخی کار او را ستودند، ولی برخی دیگر، آن را نوعی خلط مبحث و سردرگمی می‌انگارند. این منتقدان استدلال می‌کنند که پارسونز کارش را در کتاب ساختارشکن اجتماعی به عنوان یک نظریه پرداز کنش در سطح خرد آغاز می‌کند، اما پیش از اینکه این اثر پایان گیرد و با گذشت سالیان، بیش از پیش در جهت نظریه ساختاری- کارکردی در سطح کلان می‌افتد. در نتیجه، ناتوانی پارسونز در رهاکردن مواضع نظری پیشین خود و یا بر اثر عدم توفیق در تلفیق شایسته آن مواضع با مواضع شدیدتر، کار او دچار نوعی سردرگمی شده است (ریتزر، ۱۳۹۱).

به نظر مینزلین^۱ مسأله بنیادی کار پارسونز از اینجا سرچشمه می‌گیرد که او تغییر موضعش را از نظریه کنش به کارکردگرایی ساختاری هرگز تکمیل نکرد و در نتیجه، این دو نظریه در سراسر کارهایش به شیوه درهم برهمی با یکدیگر درآمیخته‌اند. این به آن معنا نیست که تلفیق نظریه کنش با کارکردگرایی ساختاری امکان‌ناپذیر یا ناخوشایند است، بلکه مسأله اینست که او به خوبی نتوانسته است این دو نظریه را با هم آشتی دهد، این دو نظریه در کارهای پارسونز به جای اینکه در هم بافته باشند، غالباً در کنار هم قرار گرفته‌اند (ریتزر، ۱۳۹۱، ص ۵۳۳).

کار تلفیقی پارسونز قدری هم به خاطر این دچار خلط مبحث شده است که او هرگز نظریه کنش وبری‌اش را با کارکردگرایی دورکیه‌می آشتی نداد (پرنده و جمشیدی، ۱۳۹۰).

یکی دیگر از اشکالات نظریه پارسونز منحصر به فرد بودن آن است به گونه‌ای که بعد از او

1. Mynzlyn

بررسی دقیق نظریاتش و حصول یک روند مشخص و مؤثر از سیر تحقیقات او کاری سخت و دشوار به نظر می‌رسد، زیرا در ترکیب نظریه کنش و کارکردگرایی وحدت رویه‌ای دیده نمی‌شود و از اختلاط مواضع حکایت دارد.

«از اشکالات این نظریه فردگرایی آن است چرا که با فقدان پارسونز دیگران نمی‌توانند آن را بررسی نمایند. ناتوانی این نظریه در تبیین فراگردهای دگرگونی و تغییر اجتماعی است. این نظریه به اندازه کافی به تاریخ توجه ندارد. فقدان روش کار آمد برای بررسی پرسش‌های مطرح شده برای کارکردگرایان ساختاری است. مبهم گویی و نارسایی این نظریه می‌باشد. از نظر او محور تمام نظریه پردازان کنش است. کنش غیر از رفتار است و از وسایل - اهداف و با وضعیت تشکیل می‌شود، لذا هر فرد دارای یک کنش است و وقتی مجموعه‌ای از این کنش‌ها در جامعه زندگی می‌کنند نظام‌های کنش یا همان نظام اجتماعی ایجاد می‌شود» (سالاری، اسدی و بخشنده، ۱۳۹۵، ص ۸۲۴).

نکته کلیدی در تبیین «نظم» از نظر دورکهم این است که جامعه، به خصوص جامعه اندام‌وار، دارای هنجارهایی است که آن‌ها را از طریق فرایندهای گوناگون جامعه‌پذیری به افراد می‌آموزد و افراد آن‌ها را درونی می‌کنند. با برقرارشدن نظم درونی، نظم بیرونی ممکن می‌شود. به همین دلیل، دورکهم بر نظم اخلاقی بیشتر تأکید می‌کند. از این نظر، باید گفت: در نظریه دورکهم نیز همانند هابز، جامعه خود را بر افراد تحمیل می‌کند. افراد به جامعه احترام می‌گذارند و هنجارهای آن را درونی می‌کنند. دورکیم نقش «مذهب» را در ایجاد همبستگی برجسته می‌کند و چون تصور می‌نماید مذهب در جامعه ریشه دارد، از این رو، افراد در واقع جامعه را پرستش می‌کنند و به آن به عنوان یک موجود مافوق احترام می‌گذارند. از نظر دورکهم، خدایی وجود ندارد: «آنچه ما می‌پرستیم واقعاً یک نیروی ماورای طبیعی نیست، بلکه چیزی عظیم‌تر و ترس‌آورتر از نفس فردی ماست» (یوسف‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳).

نظر سی‌رایت میلز درباره پارسونز «اگرچه نکاتی ناچیز در نظریه او وجود دارد ولی اساس آن نظریه را همان عبارات نارسا و پیچیده تشکیل می‌دهد» و در واقع، او چیزی برای گفتن جز لفاظی نداشته است و نقشی در جامعه‌شناسی نیز ندارد (معیدفر، ۱۳۷۷، ص ۲۱-۲۳).

به طور کلی، از نظر کارکردگرایان، مذهب با کارکردهای وحدت‌بخشی و یکپارچگی، پاسخ‌گو

به سؤال‌های اساسی انسان، نیرویی برای ضمانت ارزش‌های اساسی از سوی مردم و تولید ارزش‌های اساسی، به نظم اجتماعی کمک می‌کند.

سؤال اول: «آیات ناظر بر نظم اجتماعی در قرآن کریم کدامند؟»

واژه «مدینه» و مشتقات آن در قرآن مجید حدود هفده بار به معنای «شهر و مدینه منوره» به کار رفته، و واژه «قریه» و مشتقات آن ۳۳ بار به معنای «شهر، بیت المقدس و دهکده» به کار رفته است (علامه طباطبایی، ج ۱ - ۱۵، ذیل آیات: ۵۸ و ۲۵۹ سوره بقره؛ ج ۸، ص ۲۶۶؛ ج ۱۵، ص ۵۳۰؛ ج ۹، ص ۵۱۱؛ ج ۱، ص ۲۸۵؛ ج ۲، ص ۵۳۲؛ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۴۱۴، ذیل آیه ۱۶۱ سوره اعراف و...) بعضی از مفسران، «قریه» را به معنای «محل اجتماع انسان‌ها، اعم از شهر و روستا» گرفته‌اند (تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۵۵، ذیل آیه ۸ سوره طلاق). از آیات قرآن استفاده می‌شود که واژه «المدینه» و مشتقات آن غیر از چند مورد خاص که مراد مدینه النبی و اهالی آن است، در بقیه جاها، مجتمع و به اصطلاح شهری است که عده‌ای از مردم در آنجا زندگی می‌کنند (پرسمان قرآن، بی تا).

جامعه مدنی از نظر قرآن

اگر مقصود از جامعه مدنی، همان زندگی اجتماعی انسان‌ها باشد، بسیاری از آیات قرآن در مورد آن است. علامه طباطبایی - رحمه الله علیه - مطالب گسترده‌ای را در ذیل آیه دویست سوره آل عمران (یا ایها الذین ءامنوا اصبروا و صابروا و رابطوا...) بیان کرده است. بنابراین، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. انسان موجودی است که اجتماعی آفریده شده است. قرآن با بهترین بیان از این حقیقت خبر داده: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات: ۱۳).

۲. [وقتی انسان برای اولین مرتبه] متوجه منافع و مصالح اجتماع شده و در صدد حفظ آن برآمده، با راهنمایی پیامبران بوده که در میان ایشان مبعوث شده‌اند و کمک به ایجاد و یا حفظ این منافع اجتماعی کرده‌اند «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ

آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره: ۲۱۳). این آیه شریفه می‌فرماید مردم در ابتدا امت واحد بودند. در بینشان اختلاف نبود؛ سپس اختلاف پیدا شد؛ از این رو، خداوند پیامبران را با کتاب فرستاد تا اختلافات را بردارند و با عمل به قوانین شرع، وحدت اجتماع را حفظ کنند [پس دین و دستورات آن محکمترین ضامن حفظ نظم و اجتماع انسانی است]. «سَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (شوری: ۱۳). بنابراین، دعوت به اجتماع از ناحیه نبوت شروع شده است.

۳. اولین ندایی که بشر را دعوت کرد تا به امر اجتماع اعتنا و اهتمام ورزد و آن را از کنج اهمال و تبعیت حکومت‌ها خارج سازند، ندای شارع اسلام خاتم الانبیاء بوده که مردم را آیات قرآن به زندگانی سعادت‌مندانه اجتماعی دعوت فرمود: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام: ۱۵۳).

۴. اسلام، مهم‌ترین احکام و شرایع خود را از قبیل: حج، جهاد، نماز، انفاق و خلاصه تقوای دینی را بر اساس اجتماع قرار داد، و برای حفظ وحدت اجتماعی، هدف مشترکی را برای جامعه اعلام کرد که عبارت است از سعادت حقیقی و رسیدن به قرب و منزلت نزد خدا.

۵. دلیل بر ضمانت اجرایی سنت اجتماعی اسلام، همین بس که با وجود کوتاه‌بودن زمان عرصه حکومتش، بر عالم سیطره داشته و تحولی شگرف ایجاد کرده که آثارش تا به امروز باقی است. اسلام، صلاحیتش را برای مردم ثابت کرده و روزی خواهد آمد که زمام امور جامعه را (در سراسر عالم) به عهده خواهد گرفت. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵) با این توضیحات و بیان آیات، به خوبی روشن است که مدنیت و زندگی اجتماعی و تشکیل آن در رأس دستورهای قرآن قرار گرفته است. (ر.ک: علامه طباطبایی، ج ۴، ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران) (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۱۷۰).

در برخی آیات قرآن به مضمون امور اجتماعی اشاره شده است مانند آیات: اقامه نماز، پرداخت زکات، خمس، قرض دادن، جهاد، حج، ولایت پذیری، کسب و کار بدون کم کردن وزن مال: (وَأَقِيمُوا

الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ وَ... غالباً این نوع از آیات، امر به فعل جمعی می‌فرماید: (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ). اینگونه دستورهای اجتماعی، عاملی برای ایجاد انسجام درون‌ساختاری و ایجاد کنش متقابل کنشگران (مسلمانان) جامعه است و موجبات یک نظم اجتماعی گسترده و پایدار را فراهم می‌کند. این اجتماع منظم، هدفمند، دارای ناظران درونی و بیرونی و نیز هنجارها و ارزش‌هایی هستند در جهت تعیین‌گزینه‌ها و وسایل دستیابی به هدف‌ها، این یعنی همان عناصری که پارسونز در عناصر چهارگانه نظریه کنش خود، به دنبال آن‌هاست. این نظام اجتماعی قرآنی در صورت بروز مشکل میان کنشگران باز هم به شکل جمعی و با یک انسجام قوی در جهت رفع نیازها و مشکلات آن‌ها برنامه ارائه می‌کند. نظیر این اجتماع در زمان حکومت نبی مکرم اسلام به وفور در تاریخ ذکر شده است و آنچه که در حکومت مهدوی امام زمان علیه‌السلام وعده داده شده از همین نوع نظم اجتماعی است که با ظهور آن در حکومت آخر الزمانی باعث پایداری و تداوم آسایش و آرامش خواهد بود.

«علامه مطهری برای جامعه، وجود حقیقی قائل است اما در عین حال، فرد را مستحیل در جامعه نمی‌انگارد و برای فرد، استقلال نسبی از ساختارهای اجتماعی را می‌پذیرد. از نظر ایشان، در جهان اجتماعی، رابطه علیت وجود دارد اما علل، محدود به علل مادی نمی‌شوند، بلکه علل معنوی و غیر مادی نیز مداخلت دارند. علاوه بر این، تبیین علی در جامعه‌شناسی محتاج رجوع از سطح ساختارها به مبانی و سطح خرد است؛ یعنی فاعلیت حقیقی در جهان اجتماعی به کنشگران اجتماعی باز می‌گردد، نه به ساختارها. ساختارهای اجتماعی به مثابه بسترها و زمینه‌هایی هستند که در برابر وقوع کنش از سوی عاملیت انسانی، خصوصیت بازدارندگی و یا خصوصیت پیش‌برندگی دارند» (کشاورز شکری، غفاری هاشجین و جمشیدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

از نظر شهید مطهری زمانی می‌توان به نظم اجتماعی پایدار رسید که اجتماع از کنش عادلانه و متقابل فرد و جامعه، با بهره‌مندی معنویت اسلامی ادغام یافته باشد:

«شهید مطهری با بررسی عدالت در مکاتب سوسیالیسم^۱ و لیبرالیسم^۲ برداشت سومی در قالب سوسیال دموکراسی^۳ ارائه می‌نماید که در آن تکیه بر نظام اقتصادی بسته و نظام سیاسی باز شده است. مطابق این دیدگاه امکان تأمین منافع فرد و جامعه وجود دارد. اما این ترکیب هنوز کافی به نظر نمی‌رسد. از این رو به اعتقاد استاد مطهری باید معنویت را که ادیان به ویژه دین اسلام منادی آن می‌باشند را، به این ترکیب افزود. از آنجایی که عدالت بر افکار، اخلاق فردی و رفتار عمومی تأثیر بسزایی می‌گذارد باید راه‌هایی ارائه نمود تا بتوان عدالت را در تمام عرصه‌های اجتماع اجراء کرد. در این راستا می‌توان به مواردی همچون، رعایت حقوق طرفینی توسط حکومت و ملت، مسابقه بقاء، ایمان و عمل به قانون، احیاء معنویت اسلامی، واگذاری مال به میل انسان و نظارت دولت به اقتصاد در کنار آزادی سیاسی اشاره کرد» (طاهری، ۱۳۸۵، ص ۸).

یکی از پرسش‌هایی که به نظر می‌رسد در حوزه نظم اجتماعی در اسلام باید مورد توجه قرار گیرد این است که آیا موضوع نظم اجتماعی که اسلام به آن توجه داشته است صرفاً آن قواعد و دستوراتی است که از شرع مقدس اسلام در قالب بایدها و نبایدها، واجبات و محرمات و... است و وقتی مجموعه‌ای از انسان‌ها در قالب امت اسلامی در این نظام قرار می‌گیرند فقط با رعایت موازین اعلام شده توسط خداوند در قرآن و با تبیین آن‌ها توسط پیامبر عظیم‌الشان و یا امامان معصومین علیهم‌السلام می‌توانند نظام اجتماعی مطلوب و آرمانی را ایجاد کنند یا اینکه علاوه بر آن نظام اجتماعی که مبتنی بر این آموزه‌هاست از یک ساختار و نظریه مدونی که در آن روابط فرد با جامعه، روابط فرد با حکومت و دولت، عدالت، اقتصاد، فرهنگ اجتماعی، حقوق و به عبارتی دربردارنده همه عناصر ایجادکننده یا پایدارکننده نظم جوامع را مورد توجه قرار داده است؟

در پاسخ به این سؤال و با بررسی که در قرآن کریم به عنوان نظام‌نامه جامع نازل شده از جانب خداوند برای بشر، علی‌رغم آنچه که در کشورهای غیر اسلامی و معمولاً در غرب و توسط افرادی همچون پارسونز و همفکران او مطرح شده و غالباً نیز با آزمایش و خطاها سعی در اثبات آن دارند، نظم اجتماعی در چند فاکتور محدود و مصنوع بشری خلاصه نمی‌شود؛ در قرآن و اسلام به شکل

-
1. Socialism
 2. Liberalism
 3. Social Democracy

خارق‌العاده و جامع‌الاطرافی به این موضوع توجه شده است. از طرفی، آنچه که توسط پارسونز در این موضوع مطرح شده حتی توسط خود او هم به هدف غایی و مطلوب نرسیده است و به لحاظ پیچیدگی نظریه‌های او، سامان‌دهی و یا توسعه نظریه نظم اجتماعی بعد از او با مشکلات و ابهاماتی مواجه است. بر همین اساس می‌توان گفت نظریه او علی‌رغم مبنای فکری که ارائه کرده است خیلی هم جهان‌شمول نیست و حتی در همان کشورهای غربی با مشکلاتی روبه‌روست. اما در مقابل، در قرآن و اسلام این نظم اجتماعی با مهندسی و با یک راهبرد و استراتژی محکم، وسیع، جهان‌شمول و با مصادیق عینی فراوان، بدون نیاز به آزمایش و خطا برای حصول نتیجه مطلوب و کاملاً مطابق با فطرت و نیاز بشری و به صورت کامل ارائه شده است و با رویکردی بسیار وسیع‌تر از دیدگاه‌های پارسونز عمل می‌کند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳). قرآن کریم از این نظام اجتماعی به اندازه‌ای مطمئن سخن می‌گوید که در آیه‌ای اشاره می‌فرماید اگر کسی غیر از اسلام دینی را برگزیند از او پذیرفته نیست و او در آخرت از زیان‌کاران است: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵). هر جا که توسط مسلمانان به این نظام‌نامه الهی عمل شده موفقیت حاصل و در صورت ترک آن هم در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و... با مشکل رو به رو بوده‌اند. ترک اجرای این نظام‌نامه الهی، یعنی رو آوردن به خواسته مصنوع بشری در خوشبینانه‌ترین حالت آن، پیروی از نظریه‌های اثبات شده موجود بشری است. اگر در مکاتب بشری، منفعت‌طلبی‌ها، خودخواهی‌ها، قدرت‌طلبی‌ها، ظلم‌ها و فسادهای رنگ‌شده با انواع این قبیل نظریات را از آن‌ها نادیده بگیریم باز هم به خواسته مطلوب نخواهند رسید.

با بررسی آیات اجتماعی مشخص شد که قرآن کریم در پی آموزش، ایجاد و اجرای یک نظم اجتماعی پایدار و منسجم است و قرآن کریم با برنامه‌ای بسیار دقیق و در قالب یک حکومت مقتدر، توانایی تأمین همه نیازهای جامعه مسلمانان و بلکه همه جوامع بشری را دارد. این رویکرد و راهبرد در قرآن بسیار متفاوت و جامع‌تر از نظریه نظم اجتماعی پارسونز است.

سؤال دوم: «آیات سیاسی ناظر بر نظم اجتماعی در قرآن کریم کدامند؟»

از دیدگاه قرآن، سیاست، تدبیر صالح است. این معنا (تدبیر صالح) مورد نظر این آیه است: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» (احزاب: ۳۶)، که در این صورت، این آیه بار سیاسی عظیمی دارد و می‌خواهد بگوید که اگر کسانی که مسئولیت اداره کشور را عهده دارند و مردم به آن‌ها اطمینان دارند، اگر برای تدبیر امور تصمیمی گرفتند، اگر این تصمیم از روی موازین صحیح اجرا شد که این موازین صحیح در اختیار اولوالامر است، سیاست یعنی تدبیر و از این رو (سائس) مرادف کلمه (قائد) است؛ در مورد ائمه داریم: «وساسه العباد» (معرفت، ۱۳۸۰، ص ۱۵).

موضوع سیاست در قرآن به طور مستقیم و غیر مستقیم اشاره شده است. رویکرد کلی قرآن ارائه یک سیاست جهان‌شمول و همگانی است که همه را به سوی یک حکومت الهی واحد تحت لوای اسلام هدایت می‌کند. وقتی در قرآن آیات و کلمات توحیدی بیان می‌شود یعنی باید یک نظام متحدالشکل ایجاد شود (كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ توبه: ۹، کلمه خداست که برتر است و خدا شکست ناپذیر حکیم است) و همه از یک رهبری واحد تبعیت نمایند (رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى طه: ۵۰)، پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده سپس آن را هدایت فرموده است) و هادی نیز از جانب خداوند متعال مشخص می‌شود (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ فَتَح: ۲۸)، اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند). مشخص است که جامعه‌ای با این فرایند شکل‌گیری، از یک نظم اجتماعی بسیار بالا برخوردار خواهد بود و در هر مرحله اگر هم خللی وارد شود رهبر مقتدر با تشخیص صحیح و به موقع، انحراف و یا نقص ایجاد شده را می‌تواند به خوبی جبران نماید. قرآن کریم در مواجهه با کفار و مشرکین و منافقین و همه کسانی که به مخالفت با قرآن و اسلام برخاسته‌اند در قالب همین نظم اجتماعی، مسلمین را به مقابله با آن‌ها فرا می‌خواند و تبعیت از فرامین رهبر الهی را دستور می‌دهد (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ انفال: ۶۵).

رهبری و امامت جامعه اسلامی به عنوان یک موضوع سیاسی و دینی، ضامن نظم اجتماعی در

اسلام و قرآن محسوب می‌شود. «امامت و رهبری باعث می‌شود تا وحدت ساختاری بر جامعه حاکم شود. از همین رو، امامت و پیروی از آن مانع تفرقه و پراکندگی‌های ناشی از سلايق و امیال نظام»
مختلف است» (فصیحی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۱۵).

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (نور: ۶۲). در سوره مبارکه نساء نیز تبعیت از امر خدا و رسول و اولوالامر را بیان می‌فرماید و همه مؤمنین را دعوت به وحدت رویه و نیز در زمان نزاع و اختلاف که خود از عوامل اصلی برهم زنده نظم یک اجتماع محسوب می‌شود همین دستور را بیان می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء: ۵۹).

در آیه ۱۹۱ سوره مبارکه بقره، به موضوع فتنه‌گری، به عنوان موضوع سیاسی و یکی از مهمترین عوامل برهم زدن نظم اجتماعی، اشاره شده است و برخورد قاطعانه با ساختارشکنان، را حتی در مسجدالحرام امر می‌فرماید:

«وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۱۹۱).

در ابتدای سوره آل عمران تمسک به حبل الله و دوری از تفرق به عنوان یکی از عوامل مهم در نظم اجتماعی امر شده است. و در انتهای همین آیه تبیین آیات الله را مایه هدایت اجتماعی اعلام می‌فرماید:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» (آل عمران: ۱۰۳).

در رویکرد سیاسی آیات قرآن کریم نیز مشخص است که نظم اجتماعی در قالب حکومت الهی، به همراه ولایت‌پذیری از امر خدا و رسول و اولوالامر، تمسک به حبل الله و دوری از تفرق و برخورد قاطعانه با فتنه و فتنه‌گران، ضامن ایجاد، حفظ و پایداری نظم اجتماعی خواهد بود.

با بررسی این قبیل آیات در قرآن مشخص می‌شود، رویکرد سیاسی را که قرآن برای مسلمین و جامعه بشری مطرح می‌کند تا به عنوان یک ناظر اجتماعی در نظام اجتماعی، نظم اجتماعی را محفوظ و پایدار بدارد، بسیار جامع‌تر از سیاست موجود در نظریه نظم اجتماعی پارسونز است. برتری رویکرد قرآن در سیاست، جاوید بودن این راهبرد برای پایداری نظم اجتماعی است و این متفاوت از نظریه نظم اجتماعی پارسونز است. معمولاً نظریات و قوانین مصنوع بشری برای اثبات خود، همراه با آزمایش و خطا، زمانبر، و با نقایص متعددی مانند محدود بودن به زمان و مکان خاصی از جوامع بشری هستند یا گاهی اوقات در طول زمان اثربخشی خود را نیز از دست می‌دهند. سیاست‌های حاکم بشری همواره با ظلم و ستم به جوامع ضعیف‌تر همراه بوده و هست، مصادیق آن نیز در تاریخ بسیار زیاد است، سیاستی را که پارسونز مطرح می‌کند به کلیات توجه دارد و به بیان مصادیق و جزئیات سیاست به عنوان حافظ نظم اجتماعی پرداخته است، بنابراین، از ضمانت اجرایی قوی برخوردار نیست. حال آنکه در قرآن برای این موضوع در جنبه‌های مختلف سیاسی با بیان مصادیق بحث می‌کند که به مواردی از آن اشاره شد.

سؤال سوم: «آیات فقهی ناظر بر نظم اجتماعی در قرآن کریم کدامند؟»

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که ناظر به احکام شرعی و فقهی می‌باشند؛ به این آیات شریفه اصطلاحاً «آیات الأحکام» اطلاق می‌شود. از جمیع این آیات نیز موضوع نظم اجتماعی قابل حصول است. آنچه که در این قسمت متفاوت از نظریه پارسونز می‌باشد، این است که علی‌رغم اینکه وی ارزش‌ها و مذهب را عاملی برای انتظام درونی می‌داند، اما اشاره‌ای عام و ناقص از مذهب برای ایجاد و پایداری نظم اجتماعی دارد، رویکرد و توجه او در این حوزه نیز محدودتر از رویکرد و راهبرد قرآن کریم است و حداقل این است که بگوییم پارسونز از ارائه مصادیق ارزشی و مذهبی کمتر استفاده کرده است، حال آنکه همین مباحث ارزشی در قرآن، با تأکید، همراه با مصادیقی متعدد و متقن اشاره شده است. برای مثال، آیات الاحکامی که در حوزه حجاب، ارث، دیه، قصاص و حدود و به عبارتی همه واجبات و محرمات و بایدها و نبایدها بحث می‌کند در یک دایره وسیع، ضامن نظم اجتماعی هستند.

به برخی آیات الاحکام در قرآن که ناظر بر دیدگاه‌های فقهی هستند و نشان‌دهنده اثربخشی ارزش‌ها برای حفظ و پایداری نظم اجتماعی محسوب می‌شوند، اشاره می‌شود:

موضوع قصاص یکی از مسائل بسیار مهمی است که قرآن برای ایفای حقوق افراد و نیز جلوگیری از هرج و مرج و در نهایت، برای برقراری نظم اجتماعی به آن توجه کرده است. این آیات هم و جهه فرهنگی و ارزشی حفظ انتظام درون اجتماعی را در نظر دارد و هم وجوه حقوقی گسترده آن را، لذا به آن اشاره می‌شود:

آیه ۱۷۸ سوره بقره می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُيِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَعْتَدَى بِغَدَاةٍ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره: ۱۷۸).

قرآن در حفظ حقوق مادی بازماندگان یک متوفی در موضوع ارث این طور می‌فرماید:

«كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۱۸۰) ... «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۸۱). فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (بقره: ۱۸۲).

آیات مربوط به فريضه عظیم حج، موضوع نظم اجتماعی را به صورت جامع الاطراف بیان می‌دارد. این آیات ضمن ارائه دستور فرائض عبادی توسط اجتماع کثیر مسلمانان، بیانگر قدرت سیاسی آنان نیز می‌باشد و در عین حال دستورات فقهی، اقتصادی، اخلاقی و توحیدی را نیز به همراه دارد. «وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلُمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» [ابن آیات] (توبه: ۳). الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره: ۱۹۷). لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوا كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمِن الضَّالِّينَ» (بقره: ۱۹۸).

و نیز اینچنین است آیات فقهی مربوط به انفاق (بقره: ۲۱۵)، حفظ اموال ایتم (بقره: ۲۲۰)، احکام مربوط به ازدواج با مؤمن، مشرک و کفار (بقره: ۲۲۱)، طلاق (بقره: ۲۲۶ و ۲۳۲)، احکام بیع (داد و سند حلال) و ربا (بقره: ۲۷۵) کتابت در معاملات و گرفتن شاهد بر معامله که یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی است و در قرآن به عنوان طولانی‌ترین آیه برای حفظ نظم اجتماعی به آن اشاره کرده است (بقره: ۲۸۲).

سؤال چهارم: «آیات اخلاقی ضامن نظم اجتماعی در قرآن کریم کدامند؟»

از جمله عوامل تضمین‌دهنده ایجاد، حفظ و پایداری یک جامعه پویا و فعال رعایت مسائل اخلاقی در آن جامعه است. بررسی برخی گزاره‌های اخلاقی مستخرج از تعدادی از سوره قرآن کریم بیان‌کننده این نکات است:

۱. این گزاره‌ها و مفاهیم در دو حوزه فردی و جمعی همگام با هم پیش رفته و فراوانی نسبتاً یکسانی با یکدیگر دارند که نشان می‌دهد دستورات و برنامه‌های خداوند متعال به منظور تربیت و هدایت افراد و جوامع انسانی به‌طور یکسان و مساوی در این کتاب شریف بیان شده است.
 ۲. گزاره‌های اخلاقی آیات قرآن کریم تلاش دارند تا با کمک همدیگر یک نظام اخلاقی جامع و کامل را تبیین و نهادینه کنند، بنابراین، هر یک از گزاره‌های اخلاقی چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی، دارای جایگاه خاصی در چارچوب هدایتی افراد و جوامع بشری بوده و به صورت یک مدل لایه‌ای و حلقه‌ای همدیگر را تکمیل و تأیید می‌کنند.
 ۳. تجزیه و تحلیل گزاره‌های اخلاقی استخراج شده از آیات قرآن کریم به روش تحلیل محتوا، این مطلب را می‌رساند که این مفاهیم، انسجامی بسیار دقیق و عمیق با یکدیگر داشته و بر مبنای وحدت موضوعی، به دنبال بیان مدل جامع هدایتی برای افراد و جوامع بشری می‌باشند.
 ۴. این نظام متصور شده به گونه‌ای است که در چهار زمینه؛ اصول و مبانی، الزامات، مقدمات و موانع، مفاهیمی را بیان کرده و به خوبی یک مدل نظام‌مند را تبیین نموده است که جایگاه دقیق و هدفمند خود را در مجموعه معارف اسلامی تبیین م‌کند (جانیبور و لطفی، ۱۳۹۴، ص ۲).
- در ذیل به برخی آیات اخلاقی در قرآن که ضامن نظم اجتماعی هستند، اشاره می‌شود:

تقوا: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق: ۲-۳)؛ شکر نعمت، کفر نعمت: «لَيْسَ شُكْرُكُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَيْسَ كُفْرُكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷)؛ صبر: «وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶)؛ توبه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (تحريم: ۸)؛ اخلاص: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (غافر: ۱۶)؛ احترام به پدر و مادر: «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره: ۸۳)؛ خوش گفتاری: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳)؛ امانت: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸)؛ تمسخر و استهزاء: «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (توبه: ۷۹)؛ صدق و راستگویی: «اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹)؛ اجتناب از القاب زشت: «وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ» (حجرات: ۱۱)؛ اجتناب از غیبت: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (حجرات: ۱۲) و بسیاری از آیات دیگر اخلاقی که ضامن پایداری نظم اجتماعی هستند.

بحث و نتیجه گیری

با بررسی‌های صورت گرفته در موضوع نظم اجتماعی با رویکرد قرآن کریم نسبت به نظریه نظم اجتماعی پارسونز نتایج زیر حاصل شد:

۱. قرآن به صورت فوق‌العاده و با روش‌های گوناگون در خصوص چگونگی ایجاد نظم اجتماعی، عوامل پایداری آن، نحوه کنش عناصر داخلی نظام اجتماعی را ارائه کرده است. هدف اصلی از نزول کتب آسمانی بالاخص قرآن کریم رساندن انسان به سعادت دنیوی و اخروی به واسطه ایجاد یک نظام مهندسی شده اجتماعی و بسیار دقیق و گسترده است.
۲. پارسونز عوامل اقتصاد، فرهنگ، عدالت و سیاست را با توجه به یافته‌های علمی خود و فرهنگ اجتماعی که در آن می‌زیسته، برای ایجاد، حفظ و پایداری نظم اجتماعی مهم و تأثیرگذار می‌داند. در قرآن کریم، این موارد با گستردگی بسیار بیشتر و با بیان مصادیق و راهکارهای اجرایی و عملی بدون نیاز به آزمایش و خطا مورد توجه جدی قرار گرفته است.

۳. پارسونز با ارائه نظریه نظم اجتماعی به دنبال یک نظریه جهان‌شمول بوده است و دغدغه او برای حذف تنش‌های منفی، پایداری حکومت‌ها بدون ایجاد تغییر اساسی در اجزای آن، ایجاد تنش‌های مثبت و پایدار و همبستگی بیشتر درون مجموعه‌ای بوده است، اما در واقع، نظریه او قابلیت اجرایی و جامعیت جهان‌شمولی را ندارد. این دغدغه‌های پارسونز، با نگاهی عمیق‌تر و با وسعت همه‌گرمه خاکی، توسط قرآن کریم بیان شده است. بسیاری از آیات و معارف قرآنی متوجه خودشناسی، جهان‌شناسی و در نهایت، خداشناسی است. همه آیات قرآن (اعم از آیات توحیدی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) همگی جهان‌شمول هستند و برای ایجاد کنش‌های مثبت، همبستگی درونی و اجتماعی جوامع، حذف تنش‌های منفی ایجادشده جامعه انسانی ارائه شده است.

۴. پارسونز به فرهنگ و ارزش‌ها توجه بنیادی کرده است و آن را عامل یکپارچگی و تأمین‌کننده انتظام درونی جامعه می‌داند، لذا نظام فرهنگی را عامل بسیار مؤثر در نظام اجتماعی می‌داند. در مقابل موضوع فرهنگ و تربیت جامعه یکی از اهداف اصلی رسولان الهی بالخصوص پیامبر عظیم‌الشان اسلام معرفی شده است:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (جمعه: ۲).

حاصل این تربیت و تزکیه عمومی ایجاد یک نظم اجتماعی مؤثر و پایدار است. موضوع فرهنگ اسلامی یکی از وجوه متمایز با شریعت‌های دیگر است که برای تثبیت آن از زمان نزول قرآن تا کنون تلاش‌های فراوانی توسط پیامبر اکرم (ص) و جانشینان آن حضرت، انجام گرفته است. توجه به ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی برای ایجاد نظم اجتماعی اسلامی در قرآن به صورت مختلف به تأکید و تأیید فراوان رسیده است.

۵. عمده بخش‌های نظریه نظم اجتماعی پارسونز معطوف به دیدگاه بشری و مبتنی بر بستر مادی است. هرچند که برای ضمانت‌الگوی پایدار خود به مباحثی همچون مذهب، ارزش‌ها و نظام آموزش و پرورش توجه کرده است، اما ماهیت دیدگاه او بیشتر معطوف به مادیات است و از ارائه راهکارهایی با سطحی بالاتر از دیدگاه بشری با ضعف‌های جدی مواجه است. این سبک از دیدگاه

بشری گاهی برای پاسخگویی به برخی نیازها و مسائل نوظهور جوامع انسانی، با مشکلی اساسی مواجه است و گاهی نیز برای برون‌رفت از مشکلات با بن‌بست مواجه است، بنابراین، این موضوع خود می‌تواند عاملی برای برهم زدن نظم اجتماعی باشد. اما در رویکرد قرآن، دیدگاه الهی و ماورائی درکنار دیدگاه دنیوی به عنوان نقشی مکمل عمل می‌کند و با ارائه راهکارها و بیان رفتارهایی از جنس دنیوی و اخروی باهم، باعث رشد و پرورش یک نظام شخصیتی فردی و اجتماعی می‌شود و با نهادینه‌کردن مباحثی همچون ایمان، اخلاق، ظلم‌ستیزی، ایثار و ازخودگذشتگی، جهاد و جان‌فشانی، عاملی مؤثر در ایجاد و پایداری یک نظام اجتماعی قوی است. بنابراین، می‌توان گفت یکی از تفاوت‌های اساسی نظریه نظم اجتماعی پارسونز و نظم اجتماعی قرآن همین رویکرد است.

۶. نظریه نظم اجتماعی پارسونز با گذر زمان و تغییر شرایط جوامع بشری کم‌اثر و حتی گاهی بی‌اثر می‌شود و اجتهادی برای رفع و حل مشکلات احتمالی ایجادشده توسط نظریه او مشهود نیست. مصداق این ادعا نیز پیچیده، مبهم و منحصر به فرد دانستن نظریه او، توسط همفکران یا منتقدان بعد از او در شناخت دقیق نظریه او است، همچنین، بیان احساس دوگانگی و عدم ثبات در نظریه کنشگری یا کارکردگرایی او توسط برخی افراد مانند مینزلین خود دلیلی بر این ادعا است. منحصر به فرد بودن نظریه او به گونه‌ای است که بعد از پارسونز بررسی دقیق نظریات او و حصول یک روند مشخص و مؤثر از سیر تحقیقات او، کاری سخت و دشوار به نظر می‌رسد. اما قرآن با رویکردی که دارد برای فهم بشری و هدایت آن‌ها نازل شده است و گذر زمان و پیشرفت علوم، اثربخشی آن را مشهودتر می‌کند. قرآن کریم در بیان احکام و دستورات خود بالاخص در موضوع نظم اجتماعی هرگز دچار سردرگمی، دوگانگی، خطا، و ناتوانی در فهم و یافتن مقاصد آن نیست و اگر مضمول این نواقص می‌شد اصلاً ادعای اعجاز برای قرآن کریم امری باطل بود. به فرض وجود برخی تعارضات ظاهری در آیات قرآن و ایراد و تشکیک توسط مخالفان قرآن، باید گفت همه این موارد به صورت کاملاً تخصصی و علمی و منطقی پاسخ داده شده است و قرآن مبرای از هر نوع تناقض‌گویی و ابهام و غیر قابل فهم بودن توسط بشر است.

۷. پارسونز در نظریه کنش خود به چند مورد خاص از عناصر مؤثر در ایجاد و پایداری نظم

اجتماعی توجه کرده است، مؤلفه‌ها و عناصری مانند اقتصاد، فرهنگ، عدالت و سیاست، اما در رویکرد قرآن کریم برای ایجاد و حفظ و پایداری نظم اجتماعی، علاوه بر این موارد به عناصر دیگری و با بیان مصادیق و راهکارهای اجرایی و عملی بدون نیاز به آزمایش و خطا مورد توجه جدی شده است، عناصری مانند تأکید و توجه بر زندگی اخروی و حیات جاودانه، تأکید بر حیات طیبه، ایمان، همراهی تعلیم با تربیت، انجام واجبات و ترک محرمات، رعایت حدود الهی، مکارم اخلاق، حفظ کرامت انسانی، جهان‌شمول بودن، توجه به بسیاری از زوایای زندگی بشری، ولایت‌پذیری از پیشوایان دینی و بسیاری از عناصر دیگر که هر یک از جایگاه جدی و مهمی در قرآن و اسلام برخوردار هستند.

۸. بعد از گذشت سالیان متمادی از ارائه نظریه نظم اجتماعی و علی‌رغم وجود علاقه‌مندان و معتقدان به نظریه پارسونز، رشد و توسعه شایان توجهی در نظریه و علاقه‌مندان به نظریه او دیده نمی‌شود و چه بسا با گذر زمان منتقدان بیشتری هم پیدا می‌کند، اما قرآن با گذر زمان و بروز حقایق آن در ایجاد نظم اجتماعی (علی‌رغم توطئه‌ها و سرکوب‌های بی‌حد و حصر) موفق‌تر و علاقه‌مندان به آن نیز رو به فزونی هستند. پیشرفت‌های علوم اگر در بستر دیدگاه الهی قرار گیرند هم باعث آسایش و هم باعث آرامش خواهند بود. این نظم اجتماعی و امنیت روحی با قرآن به یقین دست‌یافتنی و مایه آرامش جهانی است و قادر است نظم اجتماعی را در وسعت عالم ایجاد و آن را حفظ و پایدار کند.

۹. رویکرد قرآن در نظم اجتماعی نسبت به آنچه پارسونز مطرح کرده است از جامعیت و کمال مضاعفی برخوردار است و با توجهی که به نظام فرهنگی، نظام شخصیتی و نظام اقتصادی کرده، قادر است در ایجاد، حفظ و پایداری یک نظام اجتماعی جهان‌شمول، کارآمد، نه تنها برای مسلمانان بلکه برای همه بشر مؤثر واقع شود. با نگاه دقیق‌تر در آیات قرآن مشخص می‌شود که همه زوایای مفهومی را که پارسونز به دنبال آن بوده است، قبل از او توسط قرآن کریم به بشر عرضه شده است و قرآن به همه الگوهای تعاملی و هنجارهای اجتماعی برای حفظ نظم اجتماعی توجه جامع‌تری داشته و حصول نظم اجتماعی در هندسه و راهبرد قرآنی گسترده، محکم‌تر و از طرفی، سهل‌الوصول‌تر است. نحوه ارائه برنامه هدفمند و مهندسی شده در شریعت اسلام، در قالب یک نظام‌نامه جامع (قرآن) با

هدایت و رهبری پیامبری امین، خود بیان‌کننده رویکرد قرآن در نظم اجتماعی است و با ظهور منجی موعود حضرت مهدی (عج) این نظم اجتماعی جهانی در نهایت زیبایی و تکامل، به اجرا گذاشته خواهد شد. علت اصلی اجرانشدن این نظم در حال حاضر نه به خاطر ضعف آن، بلکه به دلیل موانعی است که توسط بدخواهان این کتاب و شریعت ناب الهی ایجاد می‌شود.

در نهایت، می‌توان گفت این پژوهش با موضوع آن به طور مستقل، از نوآوری برخوردار است و پیشنهاد می‌شود خلاء موجود در این زمینه، با ادامه پژوهش‌ها توسط بزرگان علوم دینی، اسلامی و استادان دانشگاهی با گرایش‌های قرآنی و معارفی پر شود. بررسی دقیق، تطبیق و نقد موضوع نظم اجتماعی پارسونز توسط دانشمندان و علمای اسلامی نیازمند به همت و تلاش بیشتری است و برای ارائه گنج‌های پنهان قرآن به بشر گرفتار در زندگی مادی، باید طرحی نو در انداخت.

منابع

- اعتمادی فرد، سیدمهدی (۱۳۸۹). پارسونز از اراده‌گرایی کنشی تا نظام اجتماعی. *نامه فرهنگ و ارتباطات*، ۱(۲)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پرنده، رادبه، و جمشیدی، مهدی (۱۳۹۰). *بنیادهای اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی در نظریه علامه مرتضی مطهری (ره)*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.
- جانپور، محمد، و لطفی، سیدمهدی (۱۳۹۴). نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۱۲(۲)، ۲۷-۵۵.
- حجازی طاقانکی، سیده محترم (۱۳۹۶). *نظم اجتماعی در عهدنامه مالک اشتر و ارتباط آن با آیات قرآن براساس تفسیر نمونه*. تهران: دانشگاه پیام نور تهران جنوب.
- رحیمی، ابوذر (۱۳۹۳). *کنش اجتماعی*. دانشنامه پژوهش باقرالعلوم علیه السلام.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۱). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- سالاری، حمید، اسدی، کیوان، و بخشنده، امید (۱۳۹۵). بررسی عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر تعلق سازمانی کارکنان فرماندهی انتظامی شهرستان مرکز استان بر اساس مدل مودی و همکاران، *دانش انتظامی مازندران*، ۲۵، ۱۳۵-۱۱۶.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۵). *روان‌شناسی تربیتی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صبوریان، محسن (۱۳۹۳). قرآن و بنیان‌های تاریخی نظم اجتماعی. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۵(۳)، ۱۵-۱۸.
- طاهری، سیدمهدی (۱۳۸۵). *آراء شهید مطهری در حوزه عدالت*. *دانش پژوهان*، ۸، ص ۶۵.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۰). *المیزان*. ترجمه محمدتقی مصباح، قم: بنیاد علمی علامه طباطبائی.
- فصیحی، امان‌الله، نظری، محمدعلی، جوادی، محمدعلی، نظری، نصرالله، بیانی، حسین، و زکی، عبدالله (۱۳۹۲). *نظم و انضباط اجتماعی در اسلام و شاخص‌های آن*. تهران: پژوهشگاه قدر، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

- کشاوری شکری، عباس، غفاری هاشجین، زاهد، و جمشیدی، مهدی (۱۳۹۱). هستی‌شناسی اجتماعی در تفکر علامه شهید مطهری. *اسراء*، ۴(۱۲)، ۱۶۴-۱۳۲.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰). سیاست و حکومت در قرآن. *علوم سیاسی*، ۱۵.
- معیدفر، سعید (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز. *ماه علوم اجتماعی*، ۶ و ۷، ۲۳-۲۱.
- هاشمیان‌فرد، زاهد، و ابراهیمی، مجید (۱۳۹۶). مقایسه آرای مفسران در مورد مدیریت فرهنگی و توسعه فرهنگ نظم و انضباط در قرآن. *مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی*، ۲(۴)، ۹۳-۶۹.
- یوسف‌زاده، حسن (۱۳۸۹). نظم اجتماعی در اسلام، معرفت، ۱۵(۱۰۳)، ص ۴۸.

Hamilton, P. (1992). *Talcott parsons*. London: Ellis Harwood Limited.

Ritzier, G. (2003). *Sociological theory*. 6thed., New York: Random House.